

زبان عربی

** عَيْنَ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۱- «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»:

- ۱) الله سرور آنان است که ایمان بیاورند و آنها از ظلمت به سوی نور خارج می‌شوند!
- ۲) خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکی‌ها به سمت نور خارج می‌سازد!
- ۳) خداوند سروری دارد بر آنان که ایمان آوردند و آنان از تاریکی خارج می‌شوند و به سمت نور می‌روند!
- ۴) الله ولایت دارد بر کسانی که ایمان آورده باشند، و آنها را از ظلمت بیرون می‌آورد و به سوی نور می‌برد!

۲- «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَذِي يَجِدُ طَعَاماً مَنَاسِباً لِفِكْرِهِ سَتُصْبِحُ قَدْرَتُهُ لِلْفَهْمِ وَالْعَمَلِ أَكْثَرَ»:

- ۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- ۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!

۳- «كَمْ شَخْصاً نَعْرِفُ أَنَّهُمْ يَعْمَلُونَ بِمَا يَقُولُونَ، فَيُؤَثِّرُونَ عَلَيْنَا تَأْثِيراً عَمِيقاً لَا نَجِدُ مِثْلَهُ فِي الْآخِرِينَ؟»:

- ۱) چند شخص را می‌شناسیم که می‌گویند چیزی را که بدان عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که همانند آن را در دیگران نمی‌یافتیم؟
- ۲) چند شخص را شناخته‌ایم که به چیزی که می‌گویند عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان تأثیری دارند که در دیگران مثل آن را نیافته‌ایم؟
- ۳) چند نفر را می‌شناسیم که آنها چیزی می‌گویند که عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان اثری دارند که در افراد دیگر همانندش را نمی‌یابیم؟
- ۴) چند نفر را می‌شناسیم که به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که در دیگران مثل آن را نمی‌یابیم؟

۴- «قَدْ تَكَرَّرَ أَمْرٌ وَاللَّهُ جَعَلَهُ خَيْراً لَكَ وَ قَدْ تُحِبُّ شَيْئاً وَاللَّهُ جَعَلَهُ شَرّاً لَكَ»:

- ۱) کاری را احتمالاً ناپسند می‌داری حال اینکه خدا خیر را در آن قرار داده، و چیزی را احتمالاً دوست می‌داری حال اینکه خدا شر را در آن قرار داده است!
- ۲) شاید کاری را زشت می‌داری در حالی که خدا برای تو در آن خیر قرار داده، و شاید چیزی را دوست بداری در حالی که خدا برای تو در آن شر قرار داده!
- ۳) کاری را گاه زشت می‌پنداری در حالی که خدا در آن خیری برایت قرار داده، و چیزی را گاه دوست داری در حالی که خدا شری در آن برایت قرار داده!
- ۴) گاهی کاری را ناپسند می‌شماری و حال اینکه خدا آن را برای تو خیر قرار داده است، و گاهی چیزی را دوست داری و حال اینکه خدا آن را برای تو شر قرار داده است!

۵- «لَا شَكَّ أَنْ كَيْفِيَّةَ اسْتِعْمَالِ الْأَعْشَابِ الطَّبِيبَةِ عِنْدَ الْحَيَوَانَاتِ الصَّحْرَاوِيَّةِ وَالطَّيِّورِ، قَدْ سَاعَدَتِ الْإِنْسَانَ فِي صُنْعِ الْأَدْوِيَةِ»:

- ۱) چگونگی به کارگیری گیاهان طبی نزد حیوانات صحرائی و پرندگان، بدون شک به انسان در ساختن داروها کمک کرده است!
- ۲) چگونگی به کار گرفتن گیاهان پزشکی در حیوانات بیابانی و پرندگان، بلاشک به انسان در ساخت داروها کمک کرده بود!
- ۳) بدون شک نحوه کاربرد گیاهان دارویی نزد حیوانات و پرندگان صحرائی، به انسان در پیدایش داروها یاری رسانده است!
- ۴) بلاشک نحوه کاربرد گیاهان پزشکی در حیوانات و پرندگان بیابانی به انسان برای ایجاد داروها یاری رسانده بود!

۶- «شَجَرَاتُ حَدِيقَتِنَا ذَاتُ غُصُونٍ نَضْرَةُ لِأَنَّ أَهْتَامَنَا بِشُؤْنِهَا كَثِيرٌ»:

- ۱) باغ ما درختانی دارد با شاخه‌های با طراوت، زیرا به کارهای آن بسیار رسیدگی شده است!
- ۲) به خاطر رسیدگی و توجه ما به امور باغ، درختان آن دارای شاخه‌های تر و تازه‌ای شده است!
- ۳) درختان باغ ما دارای طراوت و تر و تازگی هستند، زیرا اهتمام ما به کارهای آن زیاد است!
- ۴) درختان باغ ما دارای شاخه‌های تر و تازه‌ای است، زیرا رسیدگی ما به کارهای آن زیاد است!

۷- «هناك مئات الطيور تبنى أعشاشها على جبال ارتفاعها أكثر من ألفي متر و تقذف أفرآخها منها لتتعلم الطيران»:

- ۱) صدها پرندۀ لانه‌های خود را بر بلندای بیش از دو هزار متر، روی کوه‌ها می‌سازند تا جوجه‌ها را از آنجا پرتاب کنند تا پرواز کردن بیاموزند!
- ۲) آنجا صدها پرندۀ است که آشیانه‌ها را بر کوه‌هایی به بلندای بیشتر از دو هزار متر بنا کرده جوجه‌هایشان را از آنجا می‌پراندند برای اینکه پرواز کردن بیاموزند!
- ۳) آنجا صدها پرندۀ لانه‌هایشان را بر کوه‌هایی که ارتفاعشان از دو هزار متر بیشتر است بنا می‌کنند و جوجه‌های خود را از آن می‌اندازند تا پرواز کردن را به آنها یاد بدهند!
- ۴) صدها پرندۀ وجود دارند که آشیانه‌های خود را بر کوه‌هایی که ارتفاع آنها بیش از دو هزار متر است می‌سازند و جوجه‌هایشان را از آنجا پرتاب می‌کنند تا پرواز را یاد بگیرند!

۸- عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) إذا لا تكون مقتدراً فالآخرين لا يسمعون كلامك: هرگاه مقتدر نبودی دیگران به سخن تو گوش نمی‌دهند!
- ۲) لا تُكرمنَ اللئيمَ لِأنه يتمردَ تمرداً و أنت تياس: هرگز انسان فرومایه را گرمی مدار برای اینکه او قطعاً نافرمانی خواهد کرد، درحالی‌که تو مأیوس شده‌ای!
- ۳) السكوتُ أجملُ كلامٍ قد يستطيع أن يُثيرَ الشخصَ أكثرَ من كلِّ شيءٍ آخر: سکوت زیباترین سخنی است که گاهی می‌تواند شخص را بیش از هر چیز دیگری برانگیزاند!
- ۴) يُصاد الحوتُ لِيستفيدَ الكيمياءيون من زيت كبده في صناعة مواد التجميل: نهنگ‌ها صید می‌شوند تا شیمی‌دانان از روغن کبد آنها در ساختن مواد آرایشی استفاده کنند!

۹- عَيْن الخَطَأ:

- ۱) عندما نعرف كيف فشلنا نفهم كيف سننجح: هر زمان بدانیم چگونه شکست خوردیم، می‌فهمیم چگونه موفق خواهیم شد!
 - ۲) لا شك أنك لا تخسر إلا إذا امتنعت عن المحاولة: شکی نیست که تو فقط زمانی که از تلاش خودداری کنی، زیان می‌بینی!
 - ۳) إن النجاح لا يحتاج إلى الإقدام فقط، بل إلى الجسارة أيضاً: پیروز شدن فقط به قدم‌ها احتیاج ندارد، بلکه به جسارت نیز نیازمند است!
 - ۴) من يكذب، لا يجد دليلاً مُقنعاً لإثبات قوله أبداً: کسی که دروغ می‌گوید، هرگز برای ثابت کردن گفته خود دلیلی قانع‌کننده نمی‌یابد!
- ۱۰- «هرکس قبل از سخن گفتن بیندیشد، غالباً از خطا ایمن می‌گردد!»:

- ۱) من يفكر قبل الكلام يسلم من الخطأ غالباً.
- ۲) من تفكر قبل أن تكلم سلم من الخطأ في الأغلب.
- ۳) الذي يفكر قبل أن تكلم قد يسلم من الأخطاء غالباً.
- ۴) الذي تفكر قبل المكالمة قد سلم من الخطايا في الأغلب.

*** اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:

يعيش الكثير من الأشخاص في هذه الحياة بشكل غير منظم، فهم لا يهتمون بالوقت الفارغ الذي يقضونه بكثرة في حياتهم دون أية فائدة! و هذه نتيجة جهلهم في كيفية إدارة الحياة و تنظيمها؛ فعلى سبيل المثال هؤلاء يمرّون بمواقف تُضيع منهم أوقاتاً كثيرة و هم لا يستطيعون ألا يواجهوها لكنّها تُسبب تعبهم الروحي و الجسمي. و كذلك تضییع أوقاتهم عند مواجهة الناس من الأقارب و الأهل و الأصدقاء يُسبب لهم مشاكل كثيرة و هم لا يعلمون كيفية حلّها!

يجب أن يضع كل شخص لنفسه نظاماً معيّنًا لحياته، بحيث يعرف ما يريد أن يفعل في يومه أو عطلة في نهاية الأسبوع، و كذلك ما هي الغاية التي يريد أن يصل إليها في نهاية السنة، و هذا الأمر يطلب منه أن يصنع جدولاً يسير على أساسه حتى يقدر أن يسجل النظم في حياته!

۱۱- عَيْن الصَّحِيح: من أهمّ الأمور في تنظيم الحياة

- ۱) تعيين الأهداف اجتناباً من النظم في إدارة الحياة.
- ۲) تسجيل الأوقات الفارغة و تعريفها حتى لا ننساها.
- ۳) أن يقوم الإنسان بتهيئة برامج أو جداول لأعماله اليومية و الأسبوعية و السنوية.
- ۴) ازدياد الرغبة في الاهتمام بكيفية قضاء الأوقات الفارغة و هي كثيرة في الحياة.

۱۲- عَيْن الصَّحِيح: الذي يسير وفق نظام معيّن في الحياة

- ۱) تقلّ مشاكله و تبعه في نهاية عمله.
- ۲) لا يحتاج إلى جدول منظم لتقسيم الأوقات الضائعة.
- ۳) يبتعد عن أي شيء يريد أن يفعله في الأيام المقبلة.
- ۴) لا يعتنى بذلك الوقت الفارغ الذي يفوت من يده و لا يسجله.

۱۳- ما هي نتائج فقدان النظم في الحياة؟ عَيْن الخَطَأ:

- ۱) فقدان الشعور بالراحة.
- ۲) عدم الخسارة في إدارة أمور الحياة.
- ۳) القيام بأعمال لا تفيد و لا تغني عن شيء.
- ۴) زيادة تضییع الأوقات في مواجهة الآخرين.

١٤- عَيِّنْ غير المناسب لعنوان النص:

- (١) الفُرس سريعة الفوت.
(٢) إن الحياة دقائق و ثوانٍ.
(٣) من يزرع السوء يحصد الشرّ.
(٤) من أطاع هواه ازدادت فراغاته في الحياة.

** عَيِّنْ الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

١٥- «تُضَيِّعُ»:

- (١) للمفرد المؤنث الغائب (= الغائبة) - حروفه الأصليّة: «ض ي ع» و الحرفان الزائدان: «ت ي»
(٢) فعل مضارع - للمفرد المذكر المخاطب - ماضيه «ضَيِّعُ» و مصدره «تَضَيِّعُ» من باب تفعيل - معلوم
(٣) فعل مضارع - حروفه الأصليّة ثلاثة و له حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) - معلوم / مع فاعله جملة فعلية
(٤) مضارع - للمؤنث للغائب - له حرف زائد من وزن «فعل» / فعل و مع فاعله جملة فعلية، و «أوقاتاً» مفعوله

١٦- «يُسَجِّلُ»:

- (١) مضارع - للمفرد الغائب - مجهول / فعل و مع فاعله جملة فعلية و مفعوله «النظم»
(٢) فعل مضارع - ماضيه «سَجَّلَ» على وزن «فعل» و مصدره «تَسْجِيلُ» من باب تفعيل
(٣) صيغته الغائب - معلوم / فعل مضارع و مع حرف «أن» يعادل الماضي النقلي في الفارسية
(٤) صيغته المفرد الغائب - حروفه الأصليّة «س ج ل» و له حرف زائد (= مزيد ثلاثي) و فاعله «النظم»

١٧- «أوقاتاً»:

- (١) جمع مؤنث سالم - نكرة / مفعول لفعل «تُضَيِّعُ» و موصوف للصفة «كثيرة»
(٢) جمع مكسّر أو تكسير (مفرد: وقت، مذكر) - نكرة / مفعول لفعل «تَضَيِّعُ»
(٣) اسم - جمع سالم للمؤنث - نكرة / موصوف و صفته «كثيرة»
(٤) اسم - جمع مكسّر أو تكسير (مفرد: وقت، مؤنث) - نكرة

** عَيِّنْ المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

١٨- عَيِّنْ الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) عالمٌ يُنتَفِعُ بعلمه خَيْرٌ مِن ألف عابِدٍ.
(٢) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْخَسَنِ.
(٣) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايُشًا سَلِيمِيًّا.
(٤) تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.

١٩- عَيِّنْ الصَّحِيحَ:

- (١) الصيدليّ: مكان يذهب المرضى إليه لشراء الأدوية.
(٢) مكيف الهواء: وسيلة لتبريد و تنظيف الهواء في فصل الصيف.
(٣) البقاع: قطع من السحاب ينزل منها المطر في فصل الشتاء.
(٤) البطاقة البريدية: نحتاج إليها عند السفر بالحافلة أو القطار أو الطائرة.

٢٠- عَيِّنْ ما ليس فيه من المتضاد:

- (١) من يبدأ بضرب و شتم الآخرين فهو الأظلم.
(٢) إن الأحقق إن أراد أن ينفع أحداً فهو يضره.
(٣) الكذاب يُبْعِدُ علينا القريب و يُقْرَبُ علينا البعيد.
(٤) الألف من الأصدقاء قليلٌ و الواحد من الأعداء كثير.

٢١- عَيِّنْ ما فيه «نون الوقاية»:

- (١) يجب عليك أن تُحسني لمن لم تكن له قدرة.
(٢) بعض الطيور تبنى بيوتها فوق الأشجار المرتفعة.
(٣) يُرشدني معلّمِي الرُّؤُوفِ دائماً إلى تعلّم العلوم النافعة.
(٤) يا أختي! إن تُؤمنِي بأنّ النجّاح نتيجة أعمالِكِ فحاولِي.

٢٢- عَيِّنْ ما فيه اسم التفضيل و اسم المكان معاً:

- (١) إن بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية الليل.
(٢) رأيت مكتبة في مدينتنا كانت من أكبر مكاتب العالم.
(٣) نُحِبُّ أن نشترى ما نريده بثمن أرخص و نوعية أعلى.
(٤) يجب أن يكون لون جدار المطابخ خاصة في الأماكن العامة أبيض.

٢٣- عَيِّنْ المستثنى منه محذوفاً:

- (١) لا يُغير عقل الإنسان في حياته شيءٌ إلّا العلوم النافعة.
(٢) لم يخلق الله في الطّبيعة إلّا كلّ ما مفيد لجميع الكائنات.
(٣) لا نقفدى بأحد ليكون لنا أسوة مناسبة إلّا بالإنسان الكامل.
(٤) لا يُحافظ أكثرُ النَّاسِ على صحتهم في الحياة إلّا قليلاً منهم.

٢٤- عَيِّن الصحيح للفراغين:

«ذهبت مع أسرتي إلى سفرة يوم الأحد، طالت سفرتُنَا ثلاثة أَيَّام. رجعنا في الساعة السابعة صباحاً. كُنَّا خمس ساعات في الطريق. فوصلنا في

الساعة من يوم إلى بيتنا!«.

(١) الثاني عشر / الثلاثاء (٢) الثانية عشرة / الأربعاء (٣) الثاني عشر / الأربعاء (٤) الثانية عشرة / الإثنين

٢٥- عَيِّن المصدر لا يُبَيِّن نوع الفعل:

(١) يا أصدقاء أوفوا بعهدكم وفاء جميلاً.
(٢) شجّعنا أصدقاءنا في المسابقة تشجيعاً كثيراً.
(٣) إن كنت تلميذاً عاقلاً فلا تُضَيِّع أوقاتك تضييعاً.
(٤) إنَّ العطار يشمّ رائحة المسك شماً دقيقاً و يعرفه.